

بررسی چالش‌های الهیات مسیحی در مدیریت بحران شورای واتیکانی دوم

Rghaz@ymail.com

کلیه رضا قزوی / دانشجوی دکتری گروه ادیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۳۱

چکیده

سازمان کلیسا در عمر طولانی خود، با بحران‌های بسیاری مواجه بوده است، از این رو، برای برون رفت از بحران‌های پیش‌رو، چاره‌ای جز انجام اصلاحات در بسیاری از زمینه‌های الهیاتی، در شورای واتیکانی دوم نداشت. این مقاله، با هدف کشف مؤلفه‌های بحران و شیوه مهار آن را توسط ارباب کلیسا مورد بررسی قرار می‌دهد. سؤال اصلی پژوهش، این است که کلیسا چگونه توانست بحران‌های فرهنگی - دینی، ناشی از آموزه‌های الهیاتی پیش آمده را مدیریت کند؟ و به چه میزان در اداره این بحران موفق بود؟ در پاسخ، کلیسا برای بحران فوق، سه مرحله مدیریت پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران را اتخاذ نمود. برخی اقدامات مرحله اول، استفاده از حرب‌های سانسور، اعلان فهرست کتاب‌های ممنوعه، دادگاه تفتیش عقاید و سرانجام، شکنجه و اعدام نوآوران، به جرم بدعت‌گذاری بود. و اقدامات حین بحران توسط کلیسا شامل مکتب تومایی نو و الاهیات جدید، روی آوری به پژوهش علمی، تشکیل شورای واتیکانی دوم. اقدامات پس از بحران، شامل اصلاح آیین عبادی، وحدت کلیساها، کمونیسم ستیزی، آزادی انتخاب دین، اعتراف به برخی اشتباهات گذشته کلیسای کاتولیک می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بحران، مدیریت بحران، کلیسا، کاتولیک، شورای واتیکانی دوم.

آموزه‌های الهیاتی کلیسای کاتولیک، زمانی در جامعه مسیحیت نهادینه و به فرهنگ تبدیل می‌شود که مطابق با عقل و فطرت بشری باشد. در غیر این صورت، نه تنها کلیسا اقتدار و مشروعیت خویش را در بین متجددان، بلکه در میان متدینان نیز از دست می‌دهد. همچنین، اگر طرح آموزه‌های الهیاتی بر مبنا و روش صحیح قرار نگیرد، باید اولاً، منتظر ظهور تنوع و تکرر قرائت‌ها از دین بود. ثانیاً، موجب بروز اختلافات بین اربابان به نواندیشان و متجددان این خواهد شد. آموزه‌های تثلیث، تجسد، نجات و... عموم مردم را منحرف ساخته، بر ضد کلیسا، و مدیران آن شورانده است. انواع شورشگری‌ها و جنگ‌های صلیبی ویرانگر، که کلیسا غیرقانونی پدید آورد، هر روز یکی از قسمت‌ها و پیکرهٔ جامعه را آفت زده ساخته، و موجب بی‌اعتنایی به دستگاه پاپی گردیده است. چنین جامعهٔ آفت‌زده و دچار بحران دینی یا الهیاتی، آرامش نداشته و هر روز مورد تهدید قرار دارد که در اصطلاح «جامعه بحران‌زده» و مدیریت در چنین بحران‌هایی را «مدیریت بحران» می‌نامند. مانند:

۱. مدیریت بحران کلیسا در تجدد و مدرنیسم؛

۲. مدیریت بحران کلیسا در مشروعیت از دست داده؛

۳. مدیریت بحران کلیسا در قبال شورش‌ها و جنگ‌ها؛

۴. مدیریت بحران کلیسا در تنوع و تکرر اندیشه‌ها؛

۵. مدیریت بحران کلیسا در آموزه‌های الهیاتی.

در چنین شرایط بحرانی و آشفته، اگر اربابان کلیسا با طرح و برنامه، پیش‌بینی‌های لازم، عقل و درایت، با هدف‌داری صحیح و با انواع تجربیات حساب شده و روش‌ها و شیوه‌های کاربردی، نتوانند بحران‌ها را از میان بردارند، سقوط و نابودی آن نظام کلیسایی قطعی است و بحران‌ها سازمان کلیسا را ساقط خواهد کرد. از آنجایی که سازمان کلیسای کاتولیک، از دیرباز تاکنون با بحران‌های گوناگونی مواجه بوده است، این پژوهش درصدد است با ارائه راهبردهای کلیسای کاتولیک، در مقابل بحران‌های اعتقادی و الهیاتی پیش‌رو را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. تا دریابد آیا کلیسای کاتولیک در مدیریت بحران موفق بوده است؟ ضرورت این کار، زمانی مضاعف می‌گردد که جامعهٔ دینی ما نیز با وجود ارتباطات گسترده، مواجه با چنین بحران‌هایی هست. از این‌رو، لازم است متصدیان دینی از به وجود آمدن بحران پیش‌گیری نمایند و در صورت وقوع آن، با درایت و منطق نسبت به آن اقدام نمایند. از این رو، سؤال اصلی پژوهش این است که کلیسای کاتولیک چگونه بحران‌های متوجه آموزه‌های الهیاتی را مدیریت نمود؟ این پژوهش، سؤال اصلی فوق را در قالب دو پرسش فرعی، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. سؤالات فرعی ذیل به ما کمک می‌کنند تا بتوانیم پاسخ مناسبی برای پرسش اصلی پژوهش بیابیم.

سؤالات فرعی: ۱. مؤلفه‌های بحران دینی کلیسای کاتولیک کدامند؟ ۲. مدیریت کلیسای کاتولیک برای حل

بحران، مبتنی بر چه اقداماتی بود؟

مفهوم‌شناسی بحران

با توجه به گستردگی شمول واژه بحران در زمینه‌های گوناگون، اعم از صنعتی، اجتماعی، طبیعی و دینی، تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. «بحران»، واژه یونانی است که نزد اطباء «تنازع طبیعت با مرض» را گویند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۳۹۰). به همین دلیل، تغییری که به واسطه تب در بیمار پدید می‌آید را «بحران» گویند (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۷۴). این واژه در زبان انگلیسی «CRISIS» ریشه‌ای لاتین دارد که به مفهوم «تصمیم‌گیری» است. در کتاب لغت *ویستر*، مفهوم آن لحظات ناپایداری است که تصمیم‌گیری، خیر یا شر بودن آن موقعیت را تعیین می‌کند. بر اساس آنچه بیان شده، منشأ پیدایش واژه بحران، «دانش پزشکی» می‌باشد. در اصطلاحات علمی، معانی و مفاهیم فراوانی برای بحران ارائه شده است. این پژوهش، بحران را با قید بحران سازمانی کلیسا مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد.

به همین دلیل، بحران سازمانی را به معنای ذیل اتخاذ می‌نماید: بحران سازمانی یک رویدادی است که با احتمال کم و تأثیر زیاد، تداوم حیات سازمانی را تهدید می‌کند و از طریق مبهم‌بودن علل، آثار و راه حل‌ها مشخص می‌شود. همچنین، این باور وجود دارد که در موقعیت بحران، تصمیم‌سازی باید به سرعت انجام بگیرد (پیرسون و کلایر، ۱۹۹۸م، ص ۶۰). به تعبیر دیگر، در تفکر سازمانی، بحران وضعیتی است که نظم سیستم یا زیرسیستم را مختل کرده و یا پایداری آن را بر هم بزند (بوودلینگ، ۱۹۶۲، ص ۱۸۰؛ کاظمی، ۱۳۶۶، ص ۱۴). چالش مرجعیت کلیسا، مشروعیت، مدرنیته، ارتباط جنگ‌های صلیبی با پیام محبت، انقلاب صنعتی و... از جمله معضلات و سختی‌هایی است که سازمان کلیسای کاتولیک را با تهدید مواجه ساخته است.

مدیریت بحران

«مدیریت بحران»، نقشه‌ای برای به حداقل رساندن آسیب بحران و حتی در برخی موارد، می‌تواند به کلی موجب از بین رفتن یک بحران احتمالی شود (مادزارو، ۲۰۰۶م، ص ۸). استیون فینک، مدیریت بحران را این‌گونه توصیف می‌کند: «هنر از بین بردن خطراتی که موجب می‌شود شما بتوانید بر سرنوشت خود مسلط شوید» (دولین، ۲۰۰۷م، ص ۱۶۱). افرادی که در تیم مدیریت بحران فعالیت می‌کنند، چهار وظیفه مهم را برعهده دارند: عملکرد سریع، روشن کردن حقایق، ارائه گزارش و تثبیت مشکلات (همان، ۱۶۲). مدیریت بحران، ابعاد گوناگون و گسترده‌ای دارد. از این‌رو، برخی آن را برنامه‌ای برای کاهش ظرفیت خرابی و در برخی موارد، حذف عوامل ایجادکننده بحران و خرابی معرفی می‌کنند (وردی‌نژاد و بهرامی رشتیانی، ۱۳۸۸، ص ۵۹). آنچه در مدیریت بحران مورد توجه قرار می‌گیرد، اقداماتی است که باید در این فرآیند به کار گرفته شود. کلیسای کاتولیک با تشکیل شورای واتیکانی دوم (بیست و یکمین شورای جهانی)، سعی در تصمیم‌گیری برای حل بحران‌های به وجود آمده در برابر کلیسا کرد. محققان، مدیریت بحران را فرآیندی متشکل از چهار مرحله ذیل معرفی می‌کنند:

۲. تدوین برنامه‌های اقتضایی؛

۳. ایجاد گروه‌های مدیریت بحران، از طریق تأمین نیروی انسانی و ارائه آموزش‌های لازم به آنان؛
اجرا و تکمیل برنامه از طریق اجرای آزمایشی آن (رضائیان، ۱۳۸۰، ص ۵۱۸).

مداخله‌گرهای بحران

«مداخله‌گرها»، عواملی هستند که در به‌وجود آمدن، استمرار و تشدید بحران مؤثرند و بر حسب اشکال و انواع بحران‌ها، مداخله‌گرهای فراوانی می‌توانند در صحنه و پشت صحنه حاضر و در ماهیت آن نقش داشته باشند. شناسایی مداخله‌گرها، کمک شایانی برای تشخیص و حل بحران می‌کنند. مداخله‌گرها را می‌توان به دو گروه، مداخله‌گرهای آشکار و پنهان تقسیم کرد. مداخله‌گرهای آشکار، عوامل ظاهری و آشکار در روند بحران هستند که شناسایی آنها در مراحل اولیه، به سادگی انجام می‌شود. اما مداخله‌گرهای پنهان، به سادگی قابل شناسایی نیستند، بلکه باید از طریق جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اطلاعات دقیق، ابتدا نشانه‌های آنها را شناسایی و سپس، در مراحل بعدی، آنها را تحلیل کرد (وردی‌نژاد و بهرامی رشتیانی، ۱۳۸۸، ص ۵۰). به هر حال، بحران‌های طبیعی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، روانشناختی، زیست محیطی و سازمانی، از مهم‌ترین بحران‌ها به شمار می‌روند. «بحران‌های پنهان»، که حالت خزانده و گاهی مزمن داشته و به صورت تدریجی و مرحله‌ای شکل می‌گیرند، بسیار خطرناک‌تر از بحران‌های آشکار و ملموس هستند. بیشتر بحران‌های بوجود آمده در سازمان کلیسا، از نوع بحران‌های پنهان هستند.

اصول مدیریت بحران اجتماعی

۱. اصل محدودیت هدف: با هدف جلوگیری از تشدید و اوج‌گیری بی‌حاصل بحران، که گاهی خسارات جبران‌ناپذیر، در بردارد و افزایش امکان و فرصت هریک از طرفین برای دستیابی به نتیجه مطلوب، طرفین درگیر باید اهداف خود را محدود کنند؛ زیرا اتخاذ اهداف نامحدود و اصرار بر تحقق این اهداف، منجر به گسترش دامنه بحران و توسعه و فعال شدن اهداف حاشیه‌ای می‌شود. این امر، ضمن افزایش مقاومت و سرسختی طرف مقابل، امکان دستیابی به توافق و مهار بحران، حداقل در کوتاه مدت را بسیار دشوار می‌سازد. برای نمونه، پاپ لئوی سیزدهم، نخستین پاپی بود که تا حدودی ضرورت‌های دنیای جدید را درک کرد. وی تلاش‌هایی برای یافتن راه‌هایی برای هماهنگ کردن کلیسای کاتولیک، با اقتضات دوره جدید به عمل آورد. از جمله، تشکیل مکتب فلسفی نوتومیایی بود. در واقع وی، باب کلیسای کاتولیک را به روی تحولات اجتماعی و سیاسی گشود (کونگ، ۲۰۰۱، ص ۱۷۹). اما وی نیز در پذیرش تفکر جدید و نیز اقتضات دنیای جدید، فردی محافظه‌کار و انعطاف‌ناپذیر بود (جوویور ۱۳۸۰، ص ۲۴۹، ص ۲۴۹). مکتب نوتومیایی در واکنش به اقتضات دوره جدید پدید آمد. در واقع هدف از آن، حل بحران دینی ناشی از مدرنیته بود.

۲. اصل نیاز به اطلاعات: استفاده از اطلاعات برای افزایش ظرفیت و توانمندی مدیران و کارگزاران بحران، در درک پیچیدگی و حساسیت‌های موقعیت بحرانی و اتخاذ تصمیم‌های نافذ و اثربخش، یک ضرورت و اصل انکارناپذیر است. دکتر جان کینکل، استاد دانشگاه آکلند، در کتاب خود می‌نویسد:

کلیسای کاتولیک چند دهه است که روند از دست دادن محبوبیت خود را سپری می‌کند. از رسوایی جنسی کشیش‌های کلیسا تا ناتوانی در رهبری و کاهش تعداد کشیشان، همه و همه بیانگر این واقعیت است که کلیسای کاتولیک نیازمند یک اصلاح است... کلیسا به خاطر همین وضعیت خود، با بحران کاهش کشیش روبه‌رو شده و بر اساس آمار سال ۲۰۰۲، ۱۵۰ هزار کشیش کلیسا را ترک کرده‌اند (کینکل، ۲۰۰۵، ص ۸۷).

نمونه این اطلاعات و آمار کافی است تا اربابان کلیسا موقعیت و مشروعیت خویش را در مخاطره سهمگین ببینند و نسبت به رفع چنین بحران‌هایی، راهبردهای مناسبی اتخاذ کنند.

۳. مهار ابزار در نیل به هدف: برای جلوگیری از افزایش تنش‌های حاصل از بحران، طرفین درگیر باید از ابزار زور و فشار، تنها در حد ضرورت و بطور محدود استفاده کنند. از ابتدای دوره جدید، کلیسای کاتولیک با استفاده از ابزارهایی چون سانسور، اعلان فهرست کتاب‌های ممنوعه، دادگاه تفتیش عقاید و شکنجه و اعدام نوآوران، به جرم بدعت‌گذاری، به تحولات دوره جدید واکنش نشان داد. نمونه‌های فراوانی از این نوع واکنش را می‌توان یافت: از سوزاندن کسانی مثل جردانو برنو تا محاکمه معروف گالیله. واکنش کلیسای کاتولیک، به پیامدهای نهضت روشنگری نیز همین‌گونه بود. استفاده از این ابزار، نه‌تنها از وقوع بحران در برابر کلیسا کم نکرد، بلکه موجب شعله‌ور شدن و گسترده شدن آن نیز شد.

۴. اصل مشروعیت: این اصل بر مشروعیت استفاده از ابزار و روش‌های مقابله با بحران تأکید دارد. یک امر سرنوشت‌ساز و قطعی، آن چیزی نیست که اسقف یا کشیش انجام می‌دهد، بلکه آن است که خدا در مسیح انجام می‌دهد. در سال ۴۱۱ بنا به فرمان حکومت امپراتوری، بحث و مناظره عظیمی در کارتاژ برپا شد که در آن، ۲۸۶ کاتولیک و ۲۷۹ دوناتیست شرکت داشتند. این آخرین بحث و مناظره بود. استدالات بی‌نظیر آگوستین غالب شد. طبیعتاً این امر نمی‌توانست بدون خشونت و خونریزی به انجام رسد. اما در واقع، آگوستین برای مشروعیت مرگ و شکنجه بدعت‌گذاران، از سخن عیسی، در حکایت شام آخر سود جست که عیسی برای به درون کشاندن آنهايي که بیرون از کوزه‌ها و دیوارها بودند، سود جست. گرچه بهای بیرون رفتن از این بحران، برای کلیسا شیرین بود، اما در بلندمدت بسیار گران بود. امروزه مورخان معتقدند: ایمان اجباری دوناتیست‌ها موجب زوال کلیسای آفریقا شد که زمانی بسیار پرشکوه بود.

چارچوب مفهومی پژوهش

مجموعه اقداماتی که توسط مدیران برای کنترل و حل بحران انجام می‌شود، در سه دسته اقدامات پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران، قابل طرح و بررسی می‌باشد. مدیرانی که در شرایط ناپایدار محیطی و سرشار از عدم

اطمینان فعالیت می‌کنند، بر این نکته واقفند که هریک از این اقدامات، برای کنترل و حل بحران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. این مجموعه اقدامات سه‌گانه در مدیریت بحران، به مثابه یک سیستم، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، به طوری که عدم توجه به یک نوع از اقدامات، می‌تواند موجب غلبه بحران گردد. به عبارت دیگر، مدیریت بحران باید هریک از این اقدامات سه‌گانه را در برنامه‌های مدیریت بحران مورد توجه قرار دهد؛ زیرا هریک از این اقدامات سه‌گانه، نقش مهمی در مهار بحران‌های فرارو خواهد داشت. در واقع، مدیریت بحران، در گرو اجرای اقدامات پیش از بحران، اقدامات حین بحران، و اقدامات پس از بحران می‌باشد. چنانچه در مدیریت بحران، اقدامات پیش از بحران و حین بحران، به طور مطلوب اجرا شوند، ولی اقدامات پس از بحران، مورد توجه مدیران قرار نگیرند، ممکن است بحران جدیدی شکل گیرد و از این طریق، سازمان را با بحران‌های جدیدی مواجه سازد. همچنین، اگر اقدامات پیش از بحران، به طور جدی مورد توجه قرار نگیرند و تنها به اقدامات حین بحران و پس از آن اکتفاء شود، ممکن است مدیریت بحران دچار هزینه‌های بسیار و عدم موفقیت در حل بحران گردد. بنابراین، در این مدل مفهومی، هریک از اقدامات پیش از بحران، حین بحران و پس از آن به مثابه یک خرده‌سیستم برای نظام مدیریت بحران تلقی می‌شوند که هریک، در جای خود حائز اهمیت است.

یافته‌های پژوهش

پیش از پرداختن به مدیریت بحران دینی توسط کلیسای کاتولیک، باید عوامل بحران‌زا در پیدایش این بحران را مورد بررسی قرار داد؛ زیرا برای بررسی و کشف شیوه مدیریت بحران کلیسای کاتولیک، باید پیش از هر چیز، بحرانی‌بودن موضوع، اثبات و تعیین شود.

مؤلفه‌های بحران دینی کلیسا

وقتی بحران به وقوع پیوست و نشانه‌های آن آشکار شد، مدیران برای فائق آمدن بر آن، همه سعی و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا راه حل مناسبی برای آن پیدا کنند. البته «سنخ‌شناسی» یا «گونه‌شناسی» بحران نیز حائز اهمیت است؛ زیرا اقداماتی که برای حل بحران انجام می‌پذیرد، بستگی به نوع و سنخ بحران‌ها دارد. گونه‌های بحران بنا بر یک تحلیل، به دو سطح (اول یا درونی) و (دوم یا بیرونی) تقسیم می‌شوند.

بحران‌های سطح اول: به بحرانی اطلاق می‌شود که در دیدگاه و یا رفتار تصمیم‌گیران و مدیران شکل می‌گیرد. این بحران‌ها، که منشأ درونی دارند، از بالا به پایین عمل می‌کنند. از این‌رو، می‌توان در بحرانی که کلیسا را تهدید می‌کرد، یکی از منشأهای عمده در شکل‌گیری بحران، خود ایده‌ها و رفتارهای اربابان کلیسا بود. از جمله ۱. عدم نوآوری در الهیات مسیحی؛ ۲. اعتقاد به آموزه‌های خلاف عقل و وجدان؛ ۳. تأکید بیش از حد کلیسا بر شعائر؛ ۴. سوءاستفاده از باورهای مردم؛ ۵. بی‌بضاعتی علمی کشیشان (کونگ، ۱۹۹۵، ص ۱۲۹)؛ ۶. بحران مرجعیت دینی کلیسا (مک‌گراث، ۱۹۹۸، ص ۳۵-۳۶)؛ ۷. برپایی دادگاه‌های تفتیش عقاید (دنسکوی، بی‌تا، ص ۳۰۹-۳۱۰) و

بحران سطح دوم: بحرانی است که از ذهنیت عمومی جامعه، به خصوص نخبگان جامعه سرچشمه می‌گیرد. به طوری که هر گونه مدیریت و تصویر سازی را از تصمیم‌گیران سلب می‌نماید. این سطح از بحران، هر لحظه بر گستردگی و وسعت و عمق فاجعه می‌افزاید. بطوری که موانع پیش رو را یکی پس از دیگری محو می‌کند. در این سطح، می‌توان رفتارها و واکنش‌های توده نخبگان در افزایش بحران کلیسا را به شرح ذیل بیان نمود: ۱. تنوع و تکثر اعتقادی (مک‌گراث، ۱۹۹۵، ص ۳۵-۳۶)؛ ۲. اتهام بدعت گذار به نخبگان از سوی کلیسا؛ ۳. سانسور و ممیزی افکار نو (دورانت، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۰۴۰)؛ ۴. برملا نمودن موهبت کنستانتین (مک‌گراث، ۱۳۸۴، ص ۵۸). از این رو، در این مقاله، ابتدا به مؤلفه‌های بحران دینی کلیسا می‌پردازیم. سپس، بر اساس تأثیرات نامطلوبی که این بحران بر سیطره کلیسا دارد، مدیریت اربابان کلیسا را در حل بحران به وجود آمده، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. مرجعیت کلیسا

این مؤلفه از دو جهت قابل بررسی است: یکی، از جهت مرجعیت علمی و دیگری، مشروع یا دینی. مرجعیت علمی در قرون وسطی، با پاپ بود (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۲۱۰). اگر چه پاپ حکمی خارج از کتاب مقدس، هر چند مخالف آن صادر نماید. اما در نهضت اصلاح دینی، نقش مرجعیت علمی به «کلام خدا» سپرده شد. این اساس، لوتر کتاب خدا را برای رسنگاری کافی می‌دانست و مرجعیتی دیگر غیر آن نمی‌شناخت (همان، ص ۲۱۱). در انقلاب مدرنیته، نقش مرجعیت را عقل به عهده گرفت. فیلسوفان عصر روشنگری از مردم خواستند تا تنها از عقل خود استعانت جویند و مستقلاً فکر کنند (همان، ص ۲۱۲). مقتضای مرجعیت علمی، پاپ این بود. دیدگاه‌های مخالف کلیسا، بدعت‌گذار تلقی می‌شد؛ هر کس توبه نمی‌نمود، یا کشته می‌شد و یا در آتش می‌سوخت. اما مرجعیت مشروع یا دینی، با این تعبیر که در صورت ایجاد اختلاف بر سر مسائل دینی، سخن چه کسی یا نهادی فصل الخطاب باشد؟ این مسئله در پی شقاق در امر پاپی کلیسای کاتولیک رخ داد. دو پاپ در کلیسای کاتولیک ادعای پاپی و رهبری کلیسای کاتولیک داشتند. شورایی کلیسایی، برای حل شقاق در این امر شکل گرفت. شورا هر دو پاپ قبلی را عزل و پاپ سومی را معرفی کرد. ولی هیچ یک از پاپ‌های قبلی، سخن شورا را مطاع ندانسته، و بر پاپی خود تاکید داشته‌اند. پس از گذشت چند سال، شورایی دیگری شکل گرفت و پاپ جدید انتخاب و پاپ‌های قبلی را عزل کرد (فیلیپ، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۵۵-۳۵۶).

۲. تجدد و مدرنیسم

درباره تاریخ دقیق این مولفه، اجماعی وجود ندارد. اما می‌توان به یک مجموعه عوامل پیدایش آن اشاره نمود:

- اکتشافات علمی و بطلان نظریه زمین محوری عالم (شارات، ۱۳۷۷، ص ۱۶۲).

- اکتشافات جغرافیایی و کشف سرزمین‌های جدید؛

- چالش‌های جدید فلسفی، به ویژه مسئله ارتباط عقل و وحی (هگل، ۱۹۹۱، ص ۱۰۸ و ۳۲۰)؛

- نظام‌های جدید و حاکمان ملی، که موجب ایجاد شکل‌های مختلف حکومت جمهوری و دموکراتیک شد. البته همه اینها و موارد دیگر، می‌تواند به عنوان عوامل و زمینه‌ساز تجدد و مدرنیسم محسوب شوند که از اواخر قرن هجدهم به بعد رواج یافت (جور ویور، ۱۳۸۱ ص ۲۳۵-۲۳۶). بی‌شک عملکرد کلیسا، در مقابل فضای به‌وجودآمده، نه تنها چیزی از بحران نکاست، بلکه به دین‌گریزی و وحشت مردم و نخبگان افزود. از جمله این اقدامات عبارتند از: کلیسا مکرر موجب پیدایش جنگ‌های مذهبی و دینی و صلیبی شده بود. اینها در نگاه مردم دوره مدرن، اموری غیر انسانی و غیر مسیحی بود. علاوه بر این موجب بروز شک و تردید در مورد منشأ ملکوتی کلیسا و حمایت الهی از آیین مسیح شد. اوج این بحران، هنگام سقوط قسطنطنیه به دست مسلمانان بود (دورانت، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۸۱۶-۸۲۱؛ هابسون، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳-۱۳۳).

- اجبار کشیشان بر تجرد (وند، ۱۹۸۲، ص ۸۵):

- زبان لاتین، تنها زبان رسمی و مورد قبول از برای عبادت محسوب می‌شد (هسیا، ۲۰۰۷، ج ۵، ص ۸):

- فروش آموزش نامه‌ها، برای گناهان و یا اموات (ویور، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷-۱۷۸).

- فرو رفتن کشیشان در مسائل حاشیه‌ای و غیرمهم.

جالب اینکه کلیسا افراد خاطی و مخالف با این احکام را به شدت مجازات می‌کرد، با وجود اینکه این احکام ریشه در کتاب مقدس نداشت.

۳. اقتدار و مشروعیت از دست رفته

انقلاب فرانسه، شکننده بودن نظام سیاسی جامعه و امکان‌پذیر بودن نظامی جدید و مبتنی بر آزادی و عدالت اجتماعی را ثابت کرد. این انقلاب ابتدا، به هیچ وجه با کلیسا در چالش نبود، اما رفتار کلیسای کاتولیک در قبال این نهضت، منجر به تقابل و ناسازگاری شد (کیسر، ۱۹۶۳، ص ۲۵). در واقع، مخالفت کلیسا از بابت مشروعیت و سلطنت، همچنین اموال و ذورات از دست رفته‌اش بود. بنابراین، طبیعی است که این انقلاب یک امر شیطانی تلقی شود و پاپ پیوس ششم نیز آن را نامعتبر بداند (همان). این موضع کلیسای واتیکان، منجر به قطع روابط دیپلماتیک میان فرانسه و پاپ شد (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۲۲۰).

۴. جنگ‌های صلیبی و جهانی

از جمله نتایج دینی جنگ‌های صلیبی، تعدیل قدرت کلیسا در اروپا بود. پیش از جنگ‌های صلیبی و تا اواخر آن، پاپ و کلیسا قدرت مطلقه به شمار می‌رفت و پاپ خود را از جانب خدا مأمور بر تمام خلائق و ممالک می‌دانست. همچنین وی خود را برتر از سلاطین به حساب می‌آورد. درآمد کلیسا نیز به خاطر دریافت اعانات صلیبی برای جنگ دو برابر شده بود. البته آنان از راه‌های دیگری چون آموزش گناهان و اعطای لوح بخشایش نیز درآمد کسب می‌کردند. ولی اروپاییان طی جنگ‌های صلیبی، با پدیده نوینی آشنا شدند و آن عدم سلطه عالمان دینی بر شاهان

بود. لذا شاهان اولین قیام‌کنندگان علیه قدرت کلیسا بود. شاهان و حاکمان اروپایی نیز از عملکرد پاپ و کلیسا ناراضی بودند (فاستر، ۱۳۶۸، ص ۴۰۸). آن‌ها در سرزمین‌های اسلامی دیدند که پادشاهان مسلمان، به هیچ وجه مانند پادشاهان صلیبی، به روحانیان و عالمان دینی خود وابسته نیستند. شاهان و رجال اروپایی، که بیش از دیگران فرصت‌طلبی‌های پاپ و کلیسا را می‌دیدند، زودتر از دیگران نسبت به آنها بی‌اعتقاد می‌شدند (جوویور، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵). از این رو، فرمان‌ها و تقاضاهای پاپ برای ترغیب شاهان اروپا به راه‌اندازی جنگ صلیبی گوش شنوا نداشت. نخست هرکدامشان برای فرار از تکفیر پاپ، بهانه‌ای برای خود دست و پا می‌کردند. در مراحل پایانی جنگ‌های صلیبی، امپراتوران مسیحی حتی برای شرکت نکردن در جنگ، بدون بهانه، بی‌اعتقادی خود را به جنگ‌های صلیبی بیان می‌کردند. آنان حتی از تکفیر ظاهری پاپ هم نمی‌هراسیدند. برای نمونه، پاپ بارها فردریک دوم را تکفیر کرد، ولی وی پیوسته نسبت بدان بی‌اهمیت بود (رانسیمان، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷۰).

پاپ بندیکت پانزدهم (۱۹۱۴-۱۹۲۲)، که همزمان با آغاز فاجعه جنگ اول جهانی، تلاش‌های فراوانی برای میانجی‌گری میان طرف‌های درگیر به عمل آورد، اما این تلاش‌ها بی‌ثمر ماند. جانشین او پیوس یازدهم بود که با روشی مستبدانه، به اداره کلیسا پرداخت و توسعه ملکوت خدا را شعار خود قرار داد. وی در پاسخ اینکه مسیحی کیست؟ بیان داشت: مسیحی کسی است که از پاپ و اسقف‌های منصوب او تبعیت کند (کونگ، ۲۰۰۱، ص ۱۸۳). پس از او یوحینا پاپسلی (۱۹۳۹-۱۹۵۸)، با عنوان پیوس دوازدهم به مقام پاپی رسید. این پاپ، که قبلاً وزیر خارجه واتیکان بود، تفکری دیپلماتیک داشت، نه الهیاتی و بیشتر به دربار کلیسا توجه داشت، تا به کشیش‌ها و مردم. او به عنوان آخرین نماینده پارادایم ضمدرن، حتی پس از جنگ دوم جهانی، سیاست‌های پیوس نهم را ادامه داد. در سال ۱۹۳۳ با حزب نازی پیمان همکاری منعقد کرد. وی سیاست‌های هیتلر را به رسمیت شناخت. به حمله ایتالیا به اتیوپی و آلبانی و نیز حمله نازی‌ها به لهستان و آغاز جنگ دوم جهانی اعتراض نکرد. پس از پایان جنگ، همه اعضای حزب کمونیست را تکفیر، اما از تکفیر هیتلر و همدستانش سرباز زد (کونگ، ۲۰۰۱، ص ۱۷۸). بسیاری از کشورهای مشغول به جنگ، طی جنگ‌های صلیبی و جهانی، دارای اکثریت کاتولیکی بودند و نگاه آنان برای حل بحران جنگ، به سمت کلیسای روم بود. اما کلیسای روم در این عرصه نکرده.

۵. انقلاب صنعتی

در حقیقت، باید عصر روشنگری و روی آوردن جامعه اروپایی به دانش را زمینه اصلی انقلاب صنعتی دانست. البته نباید از این نکته غافل بود که ساختار و سبک زندگی جدید، مسیحی جدید بر اثر آشنا شدن با علوم و فرهنگ کشورهای اسلامی در خلال جنگ‌های صلیبی بود. این جنگ‌ها، گرچه برای مسلمانان عایدی جز کشتار نداشت، اما برای مسیحیان آثار فراوانی به‌جای گذاشت که بعدها موجب پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا شد. اروپا در فاصله قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی، به روشنگری روی آورد و از مسیری که کلیسا به صورت یک‌جانبه ترسیم کرده بود، فاصله گرفت. در این دوره، آموزش و آموختن و شناخت جنبه‌های گوناگون زندگی، سفر و آشنایی با سایر ملت‌ها، توسعه

پیدا کرد و مردم در افق تازه‌ای قرار گرفتند که در دوره بعد، منجر به صنعتی شدن اروپا شد. با اکتشافات جدید و رشد علوم و فنون، اندیشه‌های جدیدی به وجود آمد که مخالف سلطه کلیسا و پاپ و خواهان اصلاحاتی در آن بودند. عرب‌ها به پیشرفت فن دریانوردی، استراتژی نظامی، صنایع و معماری نیز کمک کردند. ادبیات اسلامی، با کارهای نویسندگانی چون ابن‌سحاق و طبری رونق گرفت و در کشورهای خاورمیانه و ایران، شاعرانی بزرگ نظیر فردوسی و خیام به جهان عرضه کرد (اسکازکین، ۱۳۵۶، ص ۲۰۹). هرچند جنگ‌های صلیبی، به هدف سیاسی مورد نظر شوالیه‌های اروپایی منجر نگردید، ولی برای فرهنگ اروپا، نتایجی مهم در بر داشت. اروپایی‌ها، با فرهنگ پیشرفته شرق آشنا شدند و روش‌های پیشرفته کشاورزی و فنون صنعتی را که در آن مناطق امری عادی به شمار می‌رفت، آموختند (همان، ص ۲۲۱). جنگ‌های صلیبی در صنعت و فنون تأثیر بسیاری گذاشت. اشیاء نفیسه و تجملات چشمگیر مسلمانان، نظر سرداران صلیبی را با آنکه دور از تمدن بودند، جلب کرد و به وسیله تجارت، بنای اقتباس و تقلید را گذاردند و در اسلحه غربی‌ها و لباس و مسکن ایشان، بخصوص در قرن دوازدهم و سیزدهم، آثار این اقتباس به خوبی مشهود است. این جنگ‌ها، با انقلابی اقتصادی به سر آمد که وسیله ترقی صنعت و توسعه بازرگانی و بالاخره، منادی و مایه‌گذار نهضت رنسانس شد. تولید ماشین بخار و انواع دیگر ماشین آلات در قرن هیجدهم موجب تحولات گسترده‌ای از نظر اجتماعی و فرهنگ دینی در میان مردم شد. مردم کلیسای کاتولیک، همواره کلیسا را بسان مادری مهربان، پاس‌گویی نیازهای مادی و معنوی می‌دانستند. اما با ظهور اختراعات جدیدی که کلیسا کم‌ترین نقشی در ایجاد آنها نداشت، موجب کم رنگ شدن وابستگی مردم از کلیسا شد. صنعتی شدن به معنای گسستن از سنت بود که برای کاتولیک‌ها تکان دهنده، بلکه یک بحران بزرگ تلقی می‌شد. از این رو، سعی در رفع بحران با برگرداندن اوضاع فعلی به گذشته بود (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳).

۶. تنوع و تکثر اندیشه‌ها

در اواخر قرون وسطی، دوره‌ای بود که در آن دانشگاه‌ها و مدارس اروپایی، رشد و گسترش بیشتری یافتند. یکی از نتایج اجتناب‌ناپذیر این مراکز علمی، تعدد و تکثر اندیشه‌ها بود. از سوی دیگر، این تفکرات نوظهور در برخی باورهای اساسی و بن‌مایه با هم اختلاف شدید داشتند. این اختلافات و افتراقات، زیر لوای کلیسای کاتولیک قابل تحمل نبود. اما پاپ‌ها، نه تمایلی به ارائه آموزه‌های صحیح برای رفع بحران و نه توانایی انجام چنین کاری را داشتند. نتیجه اجتناب‌ناپذیر این موضوع، چیزی جز حیرت و شکاف نبود (مک‌گراث، ۱۹۹۸، ص ۳۲-۳۴). جالب‌تر اینکه اگر گروه‌ها یا اندیشه‌های مسیحی هم تمایل داشتند به یکدیگر نزدیک شوند تا فاصله‌ها کمتر شود، از سوی کلیسای کاتولیک متهم به ارتداد جدید می‌شدند. برای نمونه، تشکیل دو کنفرانس بین ارتدوکس‌ها و پروتستان‌ها در سال ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷، با عنوان‌های «زندگی و کار» و «ایمان و نظم» به قصد تقریب برگزار شد. اما کلیسای کاتولیک، نه تنها در آن حضور نیافت، بلکه پاپ پیوس یازدهم، کاتولیک‌ها را از حضور در آن منع کرد و آن را نوعی ارتداد جدید ضد مسیحی عنوان کرد (کیسر، ۱۹۶۳، ص ۳۳). تفتیش عقاید، بازرسی و تفحص در باورهای افراد، از

یادگارهای کلیسای کاتولیک در دوران قرون وسطی است که مخالف آزادی بیان و آزادی عقیده، یا آزادی اندیشه است. این عمل توسط دستگاه کلیسا انجام می‌شد. متهمان بسیاری در دادگاه‌های تفتیش عقاید متهم به ارتداد، شرک و جادوگری می‌شدند. این افراد، ابتدا محکوم به تحمل شکنجه و سرانجام، به صورت‌های بسیار غیرانسانی اعدام می‌شدند.

دادگاه‌های تفتیش عقاید پاپ در هر جایی، علاوه بر سانسور و تکفیر و اعدام نویسندگان، فهرستی نیز تنظیم نمود که خواندن و داشتن کتاب‌های مندرج در آن، بر مسیحیان ممنوع بود. اساس این رفتار، در قرون اولیه مسیحیت بنا شده بود. کلیسا، هر نوشته‌ای را که با تعالیم کلیسایی منافات داشت، محکوم به آتش کرد و برای تثبیت این دستورالعمل، منشورهایی از طرف امپراطورها صادر شد (فتوحی لقمان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶-۱۶۷).

ولتر، به عنوان یکی از مخالفان کلیسا در رساله فرهنگ فلسفی می‌نویسد: «پوچ‌ترین، تحقیرآمیزترین و کشنده‌ترین نوع استبداد برای سرشت آدمیزاد، از آن کشیشان و کلیسا است و سلطه کشیشان مسیحی بانحاء کلام جنایت‌آمیزترین سلطه‌هاست» (ولتر، ۲۰۰۷، ص ۹۸). منتسکیو در رساله‌های متعدد خود، پیرامون تعصب پاپ‌ها و خرافات مذهبی مسیحیت، به تفصیل باب سخن را باز کرده و آن را مورد نکوهش قرار داد» (عبدخدایی، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

این تکثر و شکاف درون دینی بود. وضع اختلاف مسیحیت، با سایر ادیان از نظر درون دینی بحرانی‌تر بود؛ زیرا کلیسای کاتولیک تنها به اقتدار و رستگاری خود تکیه می‌کرد و هیچ یک از ادیان و مذاهب دیگر را نمی‌پذیرفت و آنها را بی‌بهره از رستگاری می‌دانست.

۷. اختلاف زیاد بین مسیحیت اولیه و متأخر

کلیسای متأخر، بیش از حد بر شعائر در قرون وسطی و خلاصه شدن مسیحیت در این شعائر، بخصوص در اواخر قرون وسطی تاکید می‌کرد. این امر موجب دوری از اخلاقیات و خواسته‌های اصلی عیسی مسیح، مبنی بر تزکیه و دوری از خودخواهی و هوا پرستی، منجر به تضعیف روحیه دینداری جامعه و روی آوردن به ظاهرگرایی شد (کونگ، ۱۹۹۵، ص ۱۲۹).

مسیحیت اولیه، یک دین ساده و بدون پیچیدگی بود که بر سنت یهود عمل می‌کرد. به طوری که الهی‌دانان‌شان مانند آگوستین شهر خدا را با شهر زمینی تفکیک می‌کرد و توصیه به فاصله گرفتن از شهر زمینی می‌کرد. در حالیکه مسیحیت قرون وسطی به بعد، ادعای سیطره بر جهان را دارد. مشروعیت امپراتور را منوط به نصب از جانب پاپ می‌داند. بخشش گناهان، که با توبه به درگاه الهی صورت می‌گرفت، آن را با فروختن آمرزش نامه‌ها در دست کلیسا درآورد (تاکمن، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶-۱۴۸). و هر روز بیش از روز قبل، به مبلغ آن افزوده می‌شد.

نمونه دیگر، تفاوت بین دو مسیحیت را در جنگ‌های صلیبی و جهانی می‌توان دید: استیون رونسیمان، در ارزیابی خود درباره جنگ‌های صلیبی می‌گوید:

پیروزی صلیبیون پیروزی ایمان بود، اما ایمان فاقد خرد چیز خطرناکی است. مورخی که به ورای سده‌های گذشته می‌نگرد و مجذوب حکایت دلاوری‌های آنان می‌شود لازم است به خاطر آورد که آن دلاوری‌ها در

هاله‌ای از غم پیچیده است که بر محدودیت‌های طبیعت بشری ما گواهی می‌دهند... آ ز و بی‌رحمی، آرمان‌های متعال را آلودند، خودپسندی کور و کوتاه‌بینی، تهور و استقامت را بدنام کردند. جنگ مقدس در ذات خود چیزی جز نمایش مطول طرد عقیده دیگران در زیر لوای نام خدا نبود، که خود ارتکاب گناه بر ضد روح القدس است (رانسیمان، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳).

تنها عامل اساسی که موجب شد لوتر دست به اصلاح بزند، همین اختلاف بین مسیحیت آن زمان و مسیحیت اولیه بود. در واقع، لوتر ضمن پاره‌ای از مناقشات از جمله بر سر فروش آموزش نامه‌ها، یک چهره معترض شناخته شد. او در اعتراض به این امر، اعلامیه ۹۵ ماده‌ای را بر سر در کلیسای جامع ویتنبرگ، برای مشاهده مردم نصب کرد. از این رو، او تنها **کتاب مقدس** را اساس و ملاک قرار داد. آموزه دیگر لوتر، که مشعب از اولی است، «نجات فقط توسط ایمان» است. او در واقع سلسله مراتب کذایی کشیشان و اسقفان و مرجعیت آنها را نشانه رفته بود (برونوسکی، ج، و مازلیش، بروس، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱). هرچند لوتر قصد تشکیل کلیسای جداگانه را نداشت و تنها در فکر اصلاح کلیسای کاتولیک بود (هیس، ۲۰۰۷، ص ۵). اما از آنجا که خواست همه اقبشار، از امپراتور گرفته تا مردم عادی و حتی برخی کشیشان، از جمله خود لوتر منجر به یک خواست عمومی شد و در نهایت، منتهی به شقاق بین کلیسای کاتولیک و پروتستان شد.

۸. آموزه الهیاتی نجات

پولس معتقد بود:

با گناه آدم، انسان‌ها همه گناهکار شدند و بدین ترتیب گناه و مرگ به جهان آمد. این گناه با زاد و ولد بین انسان‌ها اشاعه یافت و این جسم انسان است که عامل کسب و انتقال گناه است... عامل ورود گناه به جهان، آدم است. گناه او گناه شخصی نیست، لذا نزد او باقی نمی‌ماند و به همه سرایت می‌کند؛ چرا که او با این گناه جوهر انسان را فاسد کرد و بدین ترتیب انسان تحت سلطه گناه درآمد. انسان به سبب سرپیچی آدم گناهکار شد و به دلیل تبعیت از آدم ثانی (عیسی مسیح)، از گناه پاک می‌شود و جلال خدا را درک می‌کند (هللم، ۱۹۹۷، ص ۱۵۳).

برداشت پدران کلیسا از جمله آگوستین قدیس، مبنی بر آموزه گناه ذاتی از این قول پولس باشد: «... به وساطت یک آدم، گناه داخل جهان گردید و به گناه، موت و به این گونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند» (رومیان، ۱۲، ۵)، از این رو، در طول تاریخ مسیحیت کاتولیک پیروی از آموزه نجات و اینکه خارج از کلیسا نجاتی نیست، سبب می‌شد تا به هیئت حاکمه اجازه دهد تا برخورد غیرانسانی با کافران (غیر مسیحیان) داشته باشند. برای نمونه، با روی کار آمدن حکومت پاپی در اروپا، یهودیان به گتوها طرد شدند. تقسیم جهان به دو بخش، با ایمان و کافر، همچنین رها نمودن استخوان‌های مردگان و گناهکاران مصر در کنار جاده، از دیگر ثمرات سلطنت آنان به‌شمار می‌رود (کیسر، ۱۹۶۳، ص ۲۳).

هرچند مخالفان آموزه نجات در کلیسا، از همان ابتدا وجود داشتند، اما از عصر روشنگری به بعد، به‌صورت یک اندیشه و مکتب ظهور کرد. آن چنان که در خطبه کشیش جان اتان / ادوارنر (۱۷۰۳-۱۷۵۸) آمده است: برخی اعتقاد

دارند که «گناهکاران در دستان خدای عصبانی‌اند» (ارزانی، ۱۳۸۸) براساس همین آموزه، اعمال نیک و بد بشر، در نجات یا عذاب او هیچ تأثیری ندارند، بلکه نجات و پاک شدن از گناهان، تنها به جلب فیض الهی از طریق تقدیم «قربانی» میسر است و برصلیب شدن عیسی، حکم همان قربانی را برای پاک‌شدن از گناهان و نجات بشر دارد (براون، ۱۳۷۵، ص ۵۲-۵۳). از جمله این اشخاص *فلیپ کوئین* (متولد ۱۹۴۰) است که معتقد است: «وجدان ما می‌گوید معنا ندارد شخصی برای جبران جرم شخص دیگر جای او را بگیرد و او را از زیر بار تکالیف اخلاقی‌اش خلاصی دهد و هرگز نمی‌توان مجازات عادلانه جرم یک شخص را بر دوش یک فرد بی‌گناه گذاشت» (گریفیت، ۱۹۵۲، ص ۱۳). در عصر روشنگری، *جان لاک* شیوه تفسیری جدیدی در پیش گرفت و به کمک آن، به ویژه آیات ۱۲ و ۱۹، از نامه *پولس* به رومیان را به شکل دیگری معنا کرد. وی به جای تفسیر *آگوستین*، که می‌گفت: همه در آدم گناه کردند، آیه ۱۲ را این گونه معنا می‌کند: «مرگ که مجازات منضم به جرم خوردن از میوه ممنوعه بود، با آن گناه وارد شد و به این خاطر نژاد آدم از آن پس میرا شدند» (لوک، ۱۹۸۷، ص ۵۲۳). بدین ترتیب، وی راه را بر اینکه گناه هم مثل مرگ موروثی باشد سد می‌کند (همان). *کانت*، یک‌سره آموزه را کنار می‌نهد و می‌گوید: «اگر فساد اخلاقی، فطری انسان‌ها باشد، از میان همه تبیین‌هایی که در توضیح گسترش و توزیع این شرّ به همه نسل‌های بشری ارائه شده است، تبیینی که شرّ را میراث اولین والدین می‌شمرد ضعیف‌ترین آنهاست (کانت، ۱۹۶۰، ص ۳۵).

دئیست‌ها، سه آموزه عمده مسیحی، گناه اولیه، الوهیت عیسی و کفاره شدن عیسی را رد کردند (بُردار، ۱۹۹۰، ص ۴۵)، در عصر روشنگری، موج طرد و انکار فزونی گرفت. *جورج فاکس*، آموزه نور باطنی را تعلیم می‌کرد که با آموزه گناه اولیه تعارض بسیار داشت. غیر از *جان لاک* و *کانت*، *ولتر*، *دیدرو* و *دیوید هیوم* نیز این آموزه را رد کردند. *تامس پین*، در عصر خود علیه آن استدلال کرد. *پالمر*، معاصر *تامس پین*، منصب وزارت خویش را بر سر آن گذاشت. *ویلیام الری*، در ۱۸۱۹ بطور قاطع از این آموزه برید و در دین نیوانگلند تغییری عمده ایجاد کرد. *جوزف اسمیت*، مؤسس کلیسای مورمون، داستان آدم و حوا را از نو تفسیر کرد، به گونه‌ای که نتوان از آن آموزه گناه اولیه را استخراج کرد. و *مری بیکر ادی*، مؤسس فرقه معرفت مسیحی، آموزه گناه را تغییر داد (لوکاس، ۱۹۸۹، ص ۸۵).

بحران تجدد، یکی از سخت‌ترین بحران‌های آیین کاتولیک رومی بود که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، کلیسا با آن مواجه شد. جلوگیری از بارداری و سقط جنین و رسمیت شناختن حقوق همجنس‌گرایان، انتصاب کشیش‌های زن و آزادی مذهبی کاتولیک‌ها در آسیا و اصطکاک میان کلیسا و مقامات کشورهایمانند چین و ویتنام، از دیگر مؤلفه‌های بحران کلیسای کاتولیک محسوب می‌شود. قوانین مربوط به تجرد کشیشان و عوارض ناشی از کودک آزاری توسط برخی کشیشان، به ویژه در کشورهایی مانند ایرلند، اتریش و بلژیک، که مراکز سنتی و تاریخی کلیسای کاتولیک بودند، بحران‌های شدیدی را آفرید و موجب شد درخواست‌ها برای تجدید نظر درباره تجرد کشیشان شدت یابد.

اقدامات کلیسای کاتولیک برای رفع مدیریت بحران

کلیسای کاتولیک برای حل بحران دینی، در هریک از مراحل مذکور، مجموعه اقدامات مدیریتی را مورد توجه قرار می‌دادند. این اقدامات، بر اساس هریک از مراحل، در ذیل مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد:

۱. مدیریت پیش از بحران

مدیریت پیش از بحران، شامل مجموعه اقداماتی است که مدیران، پیش از شکل‌گیری بحران، آن را مورد توجه قرار می‌دهند و اقدامات بازدارنده‌ای را به برای جلوگیری از بحران احتمالی انجام می‌دهند. با بررسی‌های انجام شده در سازمان کلیسایی با مدیریت پاپ، برخی از اقدامات، قابل مشاهده است که در مقایسه با بحران اجتماعی واقع شده، جنبه بازدارندگی داشته و می‌توان از آنها به عنوان «مدیریت پیش از بحران» در کلیسا یاد نمود.

کنترل عوامل بحران‌زا

یکی از معقولانه‌ترین اقدامات در مدیریت بحران، کنترل عوامل بحران‌ساز می‌باشد. بسیاری از بحران‌ها را می‌توان از این طریق شناسایی و با کنترل عوامل ایجاد کننده آن، بحران احتمالی پیش رو را مدیریت کرد. این اقدام، از اقدامات مدیریت پیش از بحران محسوب می‌شود. کلیسای کاتولیک پس از روی کار آمدن، با برخی از مخالفت‌ها مواجه گردید. در همان آغازین سنوات اجرای سیاست‌های خویش، دریافت که برخی افراد و نحل‌ها، این سیاست و فرهنگ را برنمی‌تابند و ممکن است در آینده‌ای نزدیک اقداماتی را انجام دهند که موجب بروز بحران برای سیاست‌های کلیسا شود. از این رو، کلیسای کاتولیک با شناسایی این عوامل، سعی کرد به هر طریق ممکن، آنها را مورد نظارت و کنترل قرار دهند.

اقدامات دوره اول

در دوره جدید، کلیسای کاتولیک از همان ابتدا با استفاده از حربه‌های سانسور، اعلان فهرست کتاب‌های ممنوعه، دادگاه تفتیش عقاید و شکنجه و اعدام نوآوران به جرم بدعت‌گذاری، سعی در جلوگیری از وقوع بحران در بدنه کلیسا نمود. نمونه‌های فراوانی از این نوع واکنش را می‌توان یافت: از سوزاندن کسانی مثل جردانو برنو تا محاکمه معروف گالیله. حل بحران کلیسای کاتولیک نسبت به پیامدهای نهضت روشنگری نیز همین گونه بود.

پاپ پیوس ششم

در سال ۱۷۹۱، پاپ پیوس ششم با محکوم کردن مجمع ملی انقلاب و نهادهای مدنی، فلسفه اعلامیه حقوق بشر را مسمن‌کننده دانست. همچنین، آزادی انتخاب دین، عقیده، مطبوعات و برابری انسان‌ها را نفی کرد (کونگ، ۲۰۰۱، ص ۱۶۳). در نتیجه، با جدایی کامل اموردینی و غیردینی، دو فرهنگ متقابل یعنی فرهنگ جدید، افراد

غیرروحانی جمهوری خواه، جنگ طلب و بورژوازی حاکم و فرهنگ پاپی به وجود آمد که در نهایت، به انزوای فرهنگی کلیسای کاتولیک انجامید (همان، ص ۱۶۹).

پاپ پیوس نهم و بحران

او هر چند سلطنت خویش را با بعضی از اصلاحات آزادمشانه آغاز کرد، اما در ارتباط با دنیای جدید، به سرعت به موضع محافظه کارانه بازگشت. در سال ۱۸۷۰ همین پاپ اولین شورای واتیکان را که از عصمت پاپ دفاع کرد، برپا کرد و شوراهای دیگر را غیرضروری دانست.

اقدامات پاپ لئوی سیزدهم

لئو، روابط کلیسا با امپراتوران را مجدداً بهبود بخشید. وی سعی داشت اصلاحاتی در کلیسا برای حل بحران برقرار سازد، اما کوشش او بی‌ثمر ماند. در واقع، او بود که باب کلیسای کاتولیک را به روی تحولات اجتماعی و سیاسی گشود (کونگ، ۲۰۱، ص ۱۷۹). اما او نیز در پذیرش تفکر جدید و نیز اقتضات دنیای جدید، فردی محافظه کار و انعطاف ناپذیر بود (جوویور، ۱۳۸۰، ص ۲۴۹). در سال ۱۹۰۳، که یکی از کاردینال‌های فرانسوی به پاپ گفته بود: «فرانسه کشوری ضدمنه‌ب نیست، تنها اقلیتی کوچکند که به ایذا و آزار کلیسا می‌پردازند»، پاپ به او پاسخ داد: «یقیناً، اما این اقلیت کوچک در رأس هستند و آزادانه به جفای کلیسا مشغولند». و در جای دیگری، گفت: «حقیقتاً اختیار ما در دست دیگران است و نه در دست خودمان» (هیوز، بی‌تا، ص ۲۴۹). این گفتگو، روشنگر علل عدم موفقیت وی در حل بحران است. مهم‌ترین اقدام لئو، فتوای مشهوری است که درباره اهمیت تفکر فلسفی، به ویژه نظام فلسفی توماس آکویناس، برای ایجاد نوعی هماهنگی با تفکر جدید، صادر کرد. وی کاتولیک‌ها را به مطالعه فلسفه دعوت کرد. البته فلسفه حقیقی از منظر او، همان فلسفه توماس بود. لازم به یادآوری است. «فلسفه حقیقی به نظر پاپ، فلسفه‌ای است که حق دین و عقل را ادا کند» (پازوکی، ۱۳۷۴). در واقع هدف از آن، حل بحران دینی ناشی از مدرنیته بود. *اتین ژیلیسون* (۱۸۸۴-۱۹۷۴)، معتقد است: چاره‌ای جز پاسخ‌گویی به مسایل مابعدالطبیعی نداریم و اگر بخواهیم به آنها پاسخ درست دهیم، باید به تفکر توماس بازگردیم (مک کواری، ۱۳۷۸، ص ۴۲۹).

عملیات پیوس دوازدهم

از دیگر پاپ‌های موثر در این قرن، پیوس دوازدهم بود که اعلامیه‌ای را با عنوان: «خداوند بسیار سخاوتمند» صادر کرد و در آن، تعریف کلیسا از صعود مریم را بیان کرد (دایرةالمعارف کاتولیک، ج ۱۰، ص ۶۱). به دنبال این تقاضاها، پاپ پیوس دوازدهم در سال ۱۹۴۶، از تمامی اسقف‌های کاتولیک خواست تا نظر خویش را در مورد این مسئله ابراز دارند. نتیجه این نظرسنجی، ابراز موافقت اسقف‌ها بود و قریب به اتفاق آنان، این عقیده را پذیرفته، نسبت به بیان آن ابراز خشنودی کردند (مولند، ۱۳۸۱، ص ۱۸۰). پاپ پس از کسب اطمینان از

موافقت روحانیان برجسته کاتولیک، در روز اول نوامبر سال ۱۹۵۰، با حضور در ایوان میدان سنت پیتر، این عقیده جدید را به مجموعه عقاید رسمی کلیسای کاتولیک افزود و اظهار داشت: «مادر معصوم خدا، مریم همیشه باکره، پس از آنکه دوران حیاتش را سپری کرد با جسم و روح خویش به جلال آسمانی خویش منتقل گردید» (کرونل، ۱۹۹۹، ص ۳۴۴). این بیانیه پاپ در حقیقت، اولین عقیده‌ای بود که پس از اعتبار و خطاناپذیری پاپ اعلام شده بود (همان، ص ۳۴۳). این امر موجب نزدیک شدن دو شاخه مسیحیت کاتولیک و ارتدوکس شد. متقابلاً به شکاف بین مسیحیت کاتولیک و پروتستان افزوده گردید؛ زیرا این آموزه به دلیل اینکه در کتاب مقدس وجود ندارد، از سوی آنها مردود شناخته شده است (مولند، ۱۳۸۱، ص ۱۸۰).

کلیسای کاتولیک، برای جلوگیری از هرگونه اقدامات تحریک‌آمیز و بحران‌زا توسط کافران و مرتدان، سعی می‌کرد تا در فرآیند تفتیش و تفحص، منکران را به توبه متقاعد سازد. در غیر این صورت، با اعدام سعی در خاموش کردن بحران داشت. این اقدام مدیریتی، تا حدودی می‌تواند مانع بروز بسیاری از بحران‌های فراروی کلیسای گردد. البته این اقدام، برای پیشگیری از بحران مناسب می‌باشد. اما همانطور که ملاحظه شد، برخی رویکردها به گستره بحران دامن زد. در این صورت، عوامل دیگری نیز در جلوگیری از بحران، مورد نیاز است.

۲. مدیریت حین بحران

برخی از اقدامات مدیریتی، که در مسائل بحرانی مورد توجه قرار می‌گیرند، مربوط به زمانی هستند که بحران شکل گرفته و کلیسا در هر صورت در آن گرفتار شده است. از جمله بحران‌های پیچیده، تجدد، روشنفکری و اصلاح طلبی دینی، که سایه بر آموزه‌ها و الهیات کلیسای کاتولیک انداخته بود، واتیکان را با بحران جدی مواجه کرده است، علی‌رغم تلاشی که کلیسا برای جلوگیری از چنین بحران‌هایی انجام داد، ولی مثمر ثمر واقع نشد. تنها با روی کار آمدن آنجلو گیوسب رانکالی ملقب به جان بیست و سوم (۱۹۵۸-۱۹۶۳)، به نوشته هانس کونگ، مهم‌ترین پاپ قرن بیستم و دستور تشکیل شورای واتیکانی دوم در ۲۵ ژانویه ۱۹۵۸ بود که توانست، گوشه‌هایی از بحران را مدیریت نماید. برخی از مهم‌ترین اقداماتی که به عنوان مدیریت حین بحران، در تاریخ کلیسای کاتولیک مطرح هستند، به قرار ذیل می‌باشند:

الف. ساختار شورا

اعلام تشکیل شورای جهانی

جان بیست و سوم می‌گوید: ما وراد بره‌های شده‌ایم که شاید کسی آن را رسالت جهانی بخواند... و احتیاج داریم خود را برای راهنمایی مسیحانه آماده سازیم تا نشان‌های زمان را تشخیص دهیم (آلبریگو، ۲۰۰۶، ص ۲). در هدف از اعلام تشکیل چنین شورایی، آمده است: «عشق به خانواده، صلح، آموزش، پیشرفت، آزادی، عدالت اجتماعی، کشورهای توسعه نیافته، جهان سیاسی جدید، آسایش اقتصادی همه کشورها و هر چه که

مربوط به وحدت مسیحیان می‌شود» (کیسر، ۱۹۶۳). از این رو، مسیحیان غیر کاتولیک نیز از این شورا استقبال نمودند (آلبریگو، ۲۰۰۶، ص ۷).

گردآوری توصیه‌ها و طرح‌های اسقفان جهان

وقتی اقدامات پیشگیرانه نتواند مانع بحران شود، اربابان کلیسا برای کنترل بحران، تلاش می‌کنند با شورای واتیکانی دوم و از طریق بسیج منابع و امکانات، بحران فرارو را برطرف سازند. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در مدیریت بحران شورای واتیکانی دوم قرار گرفت، توجه کمیسیون‌های دوازده‌گانه به نظرات اسقفان جهان برای مدیریت بحران است، بسیج منابع انسانی و امکانات موجود در سازمان، برای کنترل مخاطراتی است که بحران موجود ایجاد کرده است. که در مجموع در دو جلد فراهم شده بود. جلد اول، در باب موضوعات الهیاتی، احکام و قوانین، بازسازی کلیسا، مدیریت روحانیون و دانشجویان مطرح شده است. در جلد دوم درباره آیین‌های مقدس، اماکن مقدس، عبادت، روش آموزشی، ویژگی‌ها و فعالیت‌های کلیسا، ماموریت‌ها و حرکت‌های وحدت بخش فهرست شده است (کیسر، ۱۹۶۳، ص ۵۷).

حضور حداکثری در شورا

تلاش برای حضور همه اسقف‌های سراسر عالم، علاوه بر بحران زدایی، موجب ایجاد تعامل و همکاری جدی می‌شود. از این رو، پاپ تمایل داشت اسقفان کشورهای تحت سلطه روسیه نیز بتوانند در این شورا حضور به هم رسانند. بر این اساس، پاپ در یک برخورد بدیع، از نمایندگی واتیکان در ترکیه خواست تا در ارتباطی محتاطانه با سفیر جماهیر شوروی با حضور اسقفان کشورش در شورا مخالفت نکنند. این ابتکار، نه تنها موفقیت آمیز بود، بلکه موجب فروریختن سد بین اروپای شرقی و غربی شد (آلبریگو، ۲۰۰۶، ص ۱۷). حتی پیشنهاد حضور پدران کلیساهای غیر کاتولیک، به پیشنهاد آگوستین بی نیز در بهار ۱۹۶۰ پذیرفته شد (همان، ص ۱۶). افزون بر این، برای اولین بار در تاریخ حتی از بانوان نیز دعوت به عمل آمد (تانر، ۲۰۱۱، ص ۴۲).

عدم محدودیت در درخواست‌ها

پرسش‌نامه‌هایی تهیه گردید و در مجموع به ۲۷۱۲ سراسقف، اسقف و راهبان بزرگ ارسال شد. پاسخ‌های دریافت شده، در ۷۷۷۰ صفحه ضبط و ثبت گردید. به طوری که در ۱۲ مجلد تنظیم و صفحه آرایی شد. تنها خلاصه آن، در دو جلد ۸۰۰ صفحه‌ای آماده گردید. این حجم صفحات، حاکی از پیشنهادات و درخواست‌های نامحدود اسقفان سراسر عالم است. این امر حاکی از مشکلات و بحران‌هایی است که در آن زمان با آن مواجه بودند. این درخواست‌ها در عین تعدد و تنوع، گاهی با هم در تضاد بودند. مثلاً اسقف‌های چین، خواهان تجدید نظر در محکومیت کمونیسم داشتند. اما اسقف تایپه، تمایل به محکومیت کمونیسم و انسان‌گرایی شد.

ب. مصوبات شورا

قانون جزمی در باب وحی

همانطور که گذشت، پس از انقلاب فرانسه مشروعیت و سلطنت کلیسا به شدت دچار چالش شد. به دنبال آن، امپراطور و نخبگان جایگاه خود را تثبیت کردند. این امر، موافق با ذائقه و طبع کلیسا نبود؛ چراکه وحی الهی با مسیح کامل می‌شود. او به تنهایی منبع وحی است. از این رو، متون مقدس پایه و اساس وحی الهی هستند. سنت با دقت مفهوم متون مقدس را به همه نسل‌ها شرح می‌دهد (سند دوم، قانون جزمی در باب وحی، فصل ۱). سنت مقدس و کتاب مقدس، امانتی از سوی خدا است که به کلیسا سپرده شده است. همه انسان‌های مقدس، همواره به آموزه‌های حواریون مؤمن می‌مانند، اما وظیفه ارائه تفسیر اصیل از کلام خداوند، به صورت مکتوب یا به شکل سنت، تنها به کلیسا واگذار شده است (همان، فصل ۱۰). در واقع، تثبیت این مصوبه، که قبلاً در شورای واتیکان اول شکل گرفته بود، برای احیای مشروعیت از دست رفته بود.

تغییر در آیین عبادی کلیسا

تصویب این سند در واتیکانی دوم، به منزله باز شدن راهی بود که سرعت اهداف تبشیری کلیسا را چند برابر کرد و افق روشنی برای پیروان مسیحی، با زبان‌ها و گویش‌های گوناگون گشود. سند آیین عبادی، به دنبال این بود که روح تازه‌ای به زندگی مؤمنان مسیحی بخشیده، آنچه که قابل تغییر است را با نیازهای امروز انطباق دهد. اتحاد را در میان همه کسانی که به مسیح اعتقاد دارند، اشاعه دهد. مأموریت کلیسا در مقابل بشریت را تقویت کند (سند سوم، آیین مقدس عبادی، فصل ۱). برای مؤثر واقع شدن آیین عبادی، مؤمنان بسیاری چیزها را بدانند و در عبادات مشارکت کنند (همان، فصل ۱۱). بعضی امور مانند زبان، کتاب، دعاها، موسیقی، اشخاص و اماکن قابل تغییرند. برخی امور، مانند کتاب مقدس، نان، شراب، اعانه و تقدیس قابل تغییر نیستند (همان، فصل ۲۱).

کلیسا و مدرنیته

جان بیست و سوم، بر ضرورت درک جهان معاصر توسط کلیسا تأکید کرد و بر این باور بود که گرچه اصول اعتقادی تغییر نمی‌کند، اما شکل بیان آن باید تغییر کند. به هر حال، در شورای واتیکانی دوم - بر خلاف شوراهای پیشین - مقرر شد به جای موضع‌گیری تدافعی، در چارچوب سنت در جهت نوسازی کلیسا گام برداشته شود. از این رو، راه‌های ارتباط با دنیای مدرن و گفتگو مورد بررسی قرار گرفت.

این سند از طولانی‌ترین اسناد شورای واتیکانی دوم است. اساس شورا در اندیشه پاپ، سازگاری کلیسا با مدرنیته و تجدد بود. در واقع، اولین سند جهانی است که در باره جهان خارج از کلیسا بحث شده است. کلیسا، همواره عهده دار خواندن علایم زمان‌ها و تفسیر آنها در سایه انجیل بوده است. ما باید صادقانه جهان معاصر خود را درک کنیم (کلیسا و دنیای مدرن، فصل ۴). نباید تضادی ساختگی بین فعالیت‌های شغلی و اجتماعی و زندگی

مذهبی وجود داشته باشد (همان، فصل ۴۳). کلیسا با استفاده از هنر و علوم انسانی، برابر با اصول و روش‌های مختص به خود و در زمینه‌های مربوط به خود مخالف نیست. این آزادی قانونی، به رسمیت شناخته می‌شود. مشروط براینکه دستورات اخلاقی و منافع عمومی لحاظ شود (همان، فصل ۵۹).

کلیسا و رسانه‌های ارتباط جمعی

کلیسا استقبال ویژه‌ای از رسانه‌های ارتباط جمعی، که توسط افراد با استعداد به کمک خداوند ایجاد شده است، به عمل می‌آورد. این امر نه تنها در افراد، بلکه در کل جامعه بشری تأثیر گذار هستند (سند پنجم، رسانه‌های ارتباط جمعی، فصل ۱). کلیسا می‌داند که اگر از این رسانه‌ها به درستی استفاده شود، خدمت بزرگی به بشریت خواهد کرد. بشر می‌تواند از این ابزارها برای خدمت به خالق بهره جوید (همان، فصل ۳). همه اعضای جامعه باید با وسائل ارتباط جمعی، به انتشار دیدگاه صحیح کمک کنند (همان، فصل ۸).

کلیسا و وحدت مسیحیان

این سند، نه تنها همه مسیحیان را به گفتگو و هم اندیشی تشویق می‌کند، بلکه از خود کلیسای کاتولیک دعوت می‌کند تا خود را به عنوان بخشی از عمل بازسازی مسیحی، اصلاح نماید و اعلام می‌دارد که همه باید قلباً تغییر یابند، تا جهان شمولی ممکن شود. از همان آغاز تشکیل کلیسا، شکاف‌هایی به وجود آمد که پولس رسول، آنها را قویاً مورد نکوهش قرار داد و تحت امری دوزخی قلمداد کرد. اما این امر در قرون بعدی، اختلاف نظرات بسیار جدی‌تری ظاهر گردید... در حال حاضر، کلیسای کاتولیک آنان را با احترام و عاطفه و عشق، همچون برادران خویش یافته است؛ زیرا این گونه افرادی که به مسیح اعتقاد دارند، اگر به درستی تعمیم داده شده باشند، گرچه بر خلاف تعمیم رسمی کاتولیکی، پذیرفته شده‌اند. نهضت جهان‌شمولی کلیسایی، در تلاش است که بر این موانع فائق آید (سند ششم، جهان شمولی، فصل ۳).

کلیسا و نوسازی حیات دینی

این سند شورا، به همه مردان و زنان مذهبی توصیه می‌کند که با تغییرات زمانه در کلیسای مدرن هماهنگ باشند. سبک زندگی، دعا و کار، باید به طور مناسب در همه جا، به ویژه در سرزمین‌های تبلیغی، شرایط مادی و روانی اشخاص را بپذیرد (سند ۱۳، نوسازی حیات دینی، فصل ۳). در کلیسا، اجتماعات بسیار زیادی وجود دارد، اعم از اجتماعات روحانی و یا عادی، که خود را وقف انجام وظایف مختلف رسولی کرده‌اند. این اجتماعات، باید قوانین و رسوم خود را با مقتضای رسالتی که خود را برای آن وقف کرده‌اند، تنظیم کنند (همان، فصل ۸).

کلیسا و غیرمسیحیان

از آنجا که در طول قرن‌های گذشته، درگیری‌ها و دشمنی‌های بسیاری بین مسیحیان و غیرمسیحیان، از جمله مسلمانان پدید آمده بود، شورا مؤکداً از همگان خواست گذشته را فراموش کنند و صمیمانه به تفاهم گرایش پیدا

کند و با یکدیگر برای حفظ و تقویت صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی، به سود همه افراد بشر بکشند. سند مذکور، سندی است که بیشتر مردم جهان را شگفت‌زده کرد. در بخشی از این سند آمده است: همه انسان‌ها یک جامعه را تشکیل می‌دهند و منشأ آنها یکی است؛ زیرا خداوند همه نسل بشر را آفریده تا روی سطح زمین زندگی کنند. هدف غایی آنان نیز یکی است (سندپانزدهم، ارتباط کلیسا با غیر مسیحیان، فصل ۱). کلیسای کاتولیک، هیچ چیزی را که در سایر ادیان مقدس و حقیقت شمرده می‌شود، رد نمی‌کند و با احترام صادقانه این راه‌های هدایت و زندگی را ملاحظه می‌کند (همان، فصل ۲). کلیسا، مسلمانان را نیز با احترام یاد می‌کند. آنان خداوند یکتا، زنده و قائم به نفس را می‌پرستند که مهربان، قادر و خالق آسمان و زمین است و با انسان‌ها سخن گفته است (همان، فصل ۳). آنچه را که بر سر عیسی آمد، نمی‌توان بدون هیچ تفاوتی به حساب همه یهودیان آن زمان زندگی و یا یهودیان امروز گذاشت (همان، فصل ۴). کلیسا هرگونه تبعیض بین مردم، یا آزار آنان به خاطر قوم، رنگ، وضع زندگی یا دینشان را چون خارج از روح مسیح است، ملامت می‌کند (همان، فصل ۵).

کلیسا و آزادی دینی

در سند، بیانیه در باب آزادی مذهبی و سند قانون در باب کلیسا در جهان مدرن نیز هرچند پدران شورا در جزئیات موضوع ادیان جهان وارد نشدند، اما سخن از میزان حق داشتن همه برای آزادی دینی و ارزش و اهمیت همه بشر به میان آمده است. یکی از عقاید اصلی کاتولیک این است که پاسخ مؤمنانه انسان به خداوند باید آزادانه باشد. از این رو، هیچ کس نباید برخلاف میل خود مجبور به پذیرفتن ایمان مسیحی شود. این آموزه، در کلام الهی و سخن پدران کلیسا اعلام شده است. عمل ایمان، ذاتا یک عمل آزادانه است (سند شانزدهم، آزادی دینی، فصل ۱۰). واقعیت این است که بشر امروز می‌خواهد این قدرت را داشته باشد که ایمان خود را در خلوت و جلوت آزادانه ابراز کند. آزادی دینی در بسیاری از قوانین، یک حق شهروندی اعلام شده و در اسناد بین‌المللی، به رسمیت شناخته شده است. واقعیت این است که برخی حکومت‌ها، هنوز شهروندان خود را در مورد اعمال دینی تحت فشار قرار داده، زندگی آنها را پر مخاطره کرده‌اند. این شورا، با اشتیاق واقعیت اول را می‌پذیرد، اما واقعیت دوم را تقبیح می‌کند (همان، فصل ۱۵).

۳. مدیریت پس از بحران

مهار و کنترل بحران، ممکن است، موقتی و یا در یک دوره موقت، همچون آتشی زیر خاکستر باشد که زمانی دیگر برافروخته گردد. بنابراین، تیم مدیریت بحران، همواره باید اقداماتی را پس از حل بحران انجام دهد تا از این طریق دریابد که بحران مذکور آثار زیانبار و تخریبی ایجاد نمی‌کند. بر اساس برخی مطالعات انجام شده، اقدامات پس از بحران را «بازیابی» گویند. این مرحله، که پس از مهار و کنترل بحران انجام می‌گیرد، بر مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که برای عادی‌سازی شرایط انجام می‌پذیرد. همان‌گونه که ارگانیزم بدن انسان را پس از یک عمل جراحی،

چندین ساعت در شرایط بازیابی قرار می‌دهند تا علائم حیاتی خود را بازیابد و به حالت طبیعی برگردد (روشندل اربطانی و دیگران، ۱۳۸۸)، در مدیریت بحران نیز باید پس از مهار موفقیت‌آمیز و کنترل بحران، مجموعه اقداماتی را انجام داد تا از این طریق، روال عادی و طبیعی بازگردد. در مدیریت بحران کلیسا پس از شورای واتیکانی دوم، مجموعه اقداماتی انجام شد که هریک نقش مهمی در حل بحران تجدد، مدرنیته و آزادی دینی و... داشتند.

التزام پاپ‌های بعدی به مصوبات شورا

این شورا پس از اتمام کار، همواره الهام بخش حیات جامعه مسیحی بوده است. جان پل دوم در مقدمه کنکیزم می‌گوید: مفاد این شورا همواره در طی سال‌های منصب پاپی‌ام مرجع دائمی همه کارهای شبانی‌ام بوده است. خود را ملتزم دانستم تا راهنمایی‌های آن را به طور عملی و صادقانه در سطح هر کلیسای محلی و کل کلیسا به کار بسته شود. باید همواره با این منبع رجوع کرد» (برنز واتس، ۲۰۰۴، ص ۵۶).

با وجود اینکه سال‌ها از برگزاری شورا گذشته است، هنوز التزام به آن وجود دارد؛ چرا که عدم التزام پاپ و کلیسا به مصوبات شورای واتیکانی دوم عطف، بحران از این وضعیتی را که دارد پیچیده‌تر کرده و در نهایت، وضعیت را بحرانی‌تر خواهد نمود.

حذف عوامل بحران‌زا

دو دسته از عوامل کلیسا، مانع تشکیل و اجرایی شدن مصوبات کلیسای کاتولیک بودند: محافظه‌کاران و اصلاح طلبان. اما در این میان، محافظه‌کاران سنتی سهم بیشتری در این زمینه ایفا نمودند. این گروه، هیچ‌گاه نتوانستند کلیسای کاتولیک را به خاطر برگزاری شورای واتیکانی دوم تحمل کنند. از این‌رو، جنبش‌های جدیدی در مسیحیت کاتولیک ایجاد نمودند. حتی لوفبور، دست به یک اقدام انقلابی زد و فردی را مانند پاپ به مقام اسقفی منصوب نمود. از این‌رو، واتیکان او را مورد تکفیر قرار داد (هوانگ، ۱۹۷۸). جنبش دیگر با عنوان «سدوکنتیزم» یا «بلا تصدی‌گری»، معتقدند: اساساً پاپ‌های پس از واتیکانی دوم، مرتد هستند. در نتیجه، اقتدار کلیسایی خود را از دست داده‌اند (والش، ۲۰۰۴، ص ۵۶۵).

اقدام عملی بر اساس مصوبات

جان پل دوم در عین محافظه‌کار بودنش، در سال ۱۹۸۶ در مراسم مذهبی یهودیان روم شرکت کرد. او همچنین، با دلایی‌لاما به آسیسیزی رفته و پس از آن، با اسقف کلیسای انگلیکن ملاقات نمود. وی، همچنین دیدارهایی با نمایندگان ادیان مختلف داشته و در کنار آنها، در مراسم مذهبی‌شان شرکت کرد.

عوامل عدم تأثیر شورا در حل بحران

۱. هرچند همه پیشنهادات از اسقفان سراسر عالم در کمیسیون‌ها گردآوری شد، اما ظاهراً در پیشنهادات اسقفان، دخل و تصرف می‌شد. «یک اسقف تبشیری، که به شورا آمده بود، می‌گفت: من هرگز ندانستم که چه بر سر

- پیشنهادات من آمد. من ردپایی از آنها را نیافتم. هنوز نمیدانم چه اتفاقی افتاده است» (کیسر، ۱۹۶۳، ص ۵۹).
۲. برخی اصلاح‌طلبان، مانند کونگ معتقد است: آن انتظاری که از شورای واتیکانی دومی رفت، برآورده نشده است؛ چرا که مسائلی از قبیل اقتدار کلیسای کاتولیک، ازدواج کشیشان، طلاق، دربار کلیسا، ازدواج مختلط میان فرقه‌های دینی (کونگ، ۲۰۰۲، ص ۱۸۶)، انتصاب زنان به مقام روحانی (همان، ۲۰۱۱، ص ۱۰۰)، محکومیت‌های اشتباه در تاریخ کلیسا (همان، ۱۹۹۱، ص ۱۷۵)، توسط مرتجعان دربار کلیسا، آنها را به بن بست کشاندند و باید منتظر شورای واتیکان سه باشیم (همو، ۲۰۰۲، ص ۲۰۰).
۳. دربار کلیسا و اغلب اسقف‌ها، به رفتار پیش‌شورایی و اقتدارگرایانه خود ادامه دادند. به نظر می‌رسد، در همه جا اسقف‌هایی زمام قدرت را در دست داشتند که بیشتر به حفظ قدرت و جایگاه خود علاقه داشتند، تا احیای روح پیام بشارت عیسی. بار دیگر، عقیده خطاناپذیری پای تکرار شد و اقدامات دادگاه تفتیش عقاید رونق گرفت (همان، ۲۰۰۱، ص ۱۹۶).

نتیجه‌گیری

احکام بدون انعطاف و نرمش کلیسای پیش از واتیکانی دوم، ظهور جنبش مدرنیسم، اختلاف و از هم گسیختگی کلیسای مسیح و ظهور مکاتب و آراء مختلف در کلیسا، آن را با چالش‌ها و بحران‌های جدی و پیچیده‌ای مواجه کرده بود. از اینرو، کلیسای کاتولیک رم در صدد بازسازی و خروج از بحران برآمد. بنابراین، دست به تشکیل شورای واتیکانی دوم زد. یکی از مهم‌ترین اقدامات این شورا، در حوزه‌ی الاهیات، عبارت بود از: به رسمیت شناختن ادیان دیگر، تعدیل عقیده‌ی جزمی به اینکه مسیحیت تنها راه نجات است و پذیرش اینکه در ادیان دیگر نیز راه نجات وجود دارد. این اقدامات مهم، شورا توانست سرآغاز تحول مهمی در ساختار الاهیات جزمی کاتولیک برای رفع چالش‌های پیش روی آن سازمان باشد. هرچند بر اساس نظر برخی صاحب‌نظران، مانند کونگ، تا رسیدن به نقطه‌ی ایده‌آل و نیاز به تشکیل شورای واتیکان سوم وجود دارد.

منابع

- ارزانی، حبیب رضا، ۱۳۸۸، «معنویت مسیحی (بخش دوم)»، *اخلاق*، ش ۱۷، ص ۱۵۶-۲۰۰.
- آدلر، فیلیپ جی، ۱۳۸۴، *تمدنهای عالم*، محمدحسین آریا، چ اول، تهران، امیر کبیر.
- براون، کالین، ۱۳۷۵، *فلسفه و ایمان مسیحی*، ترجمه طاطله‌وس میکائیلان، تهران، علمی و فرهنگی.
- برونوسکی، جیکوب و مازلیش، بروس، ۱۳۷۸، *سیر اندیشه در غرب از لئوناردو تا هگل*، ترجمه: کاظم فیروزمند، تبریز، نشر اختر.
- پازوکی شهرام، ۱۳۷۴، «مقدمه‌ای بر الهیات»، *ارغنون*، ش ۲.
- تاکمن، باربارا، ۱۳۷۵، *سیر نابخردی*، ترجمه: حسن کامشاد، تهران، فروزان.
- دنسکوی، گ. م، و آگیالووا، ا. و، *بی‌تا، تاریخ سده‌های میانه*، رحیم رئیس‌نیا، چ اول، تهران، پیام.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه*، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رانسیمان، ۱۳۸۰، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ج ۱، ترجمه منوچهر کاشف، تهران، علمی و فرهنگی.
- رضائیان، علی، ۱۳۸۰، *مبانی سازمان و مدیریت*، چ سوم، تهران، سمت.
- شارات، مایکل، ۱۳۷۷، *گالیله نوآور دوران ساز*، ترجمه: حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
- عبدخدایی، مجتبی، ۱۳۸۵، *واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)*، تهران، بین‌المللی الهدی.
- فاستر ب. مایکل، ۱۳۶۸، *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه جواد شیخ، بی‌جا، فرهنگ اسلامی.
- فتحی لقمان علی، ۱۳۸۳، *تاریخچه کشمکش عقل و دین*، توفیق الطویل، شیراز، نوید شیراز.
- کاظمی، علی‌اصغر، ۱۳۶۶، *مدیریت بحران‌های بین‌المللی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کونگ هانس، ۱۳۸۴، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.
- مری جو ویور، ۱۳۸۱، *درآمدی به مسیحیت*، ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.
- معین، محمد، ۱۳۸۸، *فرهنگ معین*، تهران، امیر کبیر.
- مک کواری جان، ۱۳۷۸، *تفکر دینی در قرن بیستم*، ترجمه: بهزاد سالکی، امیر کبیر.
- مک‌گراث آلستر، ۱۳۸۴، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.
- مولند، اینار، ۱۳۸۱، *جهان مسیحیت*، ترجمه: محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، چ دوم، انتشارات امیر کبیر.
- نچکینا، اسکاز کین، گوهر، آلپر وویچ، کوتاف، مانفرد، دثوییک، ۱۳۵۶، *تاریخ مختصر جهان*، ترجمه: محمدتقی فرامرزی، انتشارات دنیا.
- وردی‌نژاد، فریدون و بهرامی رشتیانی، شهلا، ۱۳۸۸، *مدیریت بحران و رسانه‌ها*، تهران، سمت.
- ویل دورانت، ۱۳۷۱، *تاریخ تمدن (عصر ایمان)*، ج ۴، چ سوم، مترجمان: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری، تهران، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی.
- هابسون، جان، ام، ۱۳۸۷، *ریشه‌های شرقی تمدن غرب*، ترجمه: مسعود رجبی و موسی عنبری، چ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- هیوز، فیلیپ، بی‌تا، *تاریخچه کلیسای کاتولیک*، تهران، انتشارات کانون یوحنا رسول.

Flannery, Austin, 1996, *Vatican Council II: Constitutions, Decrees, Declarations: The Basic Sixteen Documents*, Liturgical Press.

Konstant, David, 2004, *Catholic church, Catechism of the Catholic Church*, London, Burns & Oates, Reprinted.

Walsh, Michel, 2004, "Sedevacantism", *Encyclopedia of New Religious Movements*, Editor: Peter P. Clark, London and New York, Religious, p97-99.

Brother. J, 1990, *History of Christial Deism*.

- Christine, M. Pearson, 1998, Christophe Roux-Dufort, Judith A. Clair, International *Handbook of Organizational Crisis Management*, SAGE.
- Cornwell, John, 1999, *Hitler's Pope*, Penguin Books.
- François Houang et Roger Mouton, 1978, *Les Réalités de Vatican II et les idées de Mgr Lefebvre. Paris*, Fayard, p325-337.
- Giuseppe, Alberigo, 2006, *A Brief History of Vatican II*, Orbis Books.
- Hans, Kung, 1987, *Church in Anguish: Has the Vatican Betrayed the Council?*, Harper & Row.
- Hans, Küng, 2001, *The Catholic Church: A Short History*, Orion.
- Hsia, R. Po-Chia, 2007, *Christianity "Reform and Expansion 1500-1660"*, Ed Cambridge, new York.
- Kant, 1960, *Religion within the limits of Reason Alone*, Trans. T. M. Green and H. H. Hudson, New York: Harper and Brothers.
- Kinkel, R. John, 2005, *Chaos In the Catholic Church*, Xlibris Corporation.
- Kung Hans, 199, *does god exist? an answer for Today*, Translated by Edward Quinn, London: SCM Press.
- Kung, Hans, 1986, *Christianity and the World Religions*, Doubleday and Company, INC, Garden City, New York.
- _____, 1976, *On Being a Christian*, Doubleday, New York.
- _____, 1994, *The Church*, Burns&Oates,
- _____, 2001 *The Catholic Church*, Phoenix Press.
- _____, 2002, *Tracing the Way: Spiritual Dimensions of the World Religions*, London and New York: Continuum.
- _____, 1995, *Great Christian Thinkers*, Coninuum New York.
- _____, 2001, *Women in Christianity*, Translated by John Bowden. London: Continuum.
- Lindley, William. B, 1980, *"Original Sin"*.
- Lock, J, 1987, *A Paraphrase and Notes on the Epistles of ST Paul*, ed. A. W. Wainwright, Oxford University press.
- Laux Fr. John, 1989, Church History, Tan Books, *New Catholic Encyclopedia*, (Gale, 2003, 2nd ed.), vol.10 ,p 61
- Tanner Norman, 1997, *The Church in Council: Conciliar Movements*, Religious Practice and the Papacy from Nicaea to Vatican II, International Library of Historical Studies, I. B. Tauris, 2011. Paul Helm, Faith & Understanding, Eerdmans Publishingco. Edinburgh University Press.

- Pearson, C., & Clair, 1998, J. *Reframing crisis management*, Academy of Management Review, 23, p59-76.
- Devlin, Edward S, 2007, *Crisis Management Planning and Execution*, Auerbach Publications.
- Hegle, 1991, *Lecons sur la Philosophie del' histoire* (Vrin, Parism), p108 & 320.
- Kung Hans, 1995, *Christianity, Essens*, History and Future, Continuum, New York.
- Kung Hans and David Tracy, 1989, *Paradigm change in theology*, T&T Clark LTD.
- Kung, Hans, 1995, *Great Christian Thinkers*, Coninium New York.
- McGrath, Alister, 1998, *E.Ibid, Reformation Thought, An Introduction*, Blackwell, Oxford, U K & Cambridge USA.
- Kaiser, Robert Blair, pope, 1963, *council and world The Story Of Vatican II*, the University of California: Macmillan.
- Wand, T.W.C., 1982, *A History of the Early Church*, London, Routledge, p85.
- Voltaire, Letters, 2007, *Concerning the English Nation*, Oxford University: J. and R. Tonson, D. Midwinter, M. Cooper and J. Hodges.
- WWW.Crisisnavigator, *Stoyan Nikolov Madzharov*, The challenges of the future and the increasing significance of crisis management, 2006.

